



The University of Tehran Press

## Explaining The Barriers to The Realization of Strategic Spatial Planning in Iran

Hadi Alizadeh<sup>1\*</sup>  | Saeed Amanpour<sup>2</sup> 

1. Corresponding Author, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: [std.hadi@gmail.com](mailto:std.hadi@gmail.com)

2. Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: [amanpour@scu.ac.ir](mailto:amanpour@scu.ac.ir)

### ARTICLE INFO

#### Article type:

Research Article

#### Article History:

Received October 17, 2023

Revised November 28, 2023

Accepted November 28, 2023

Published online 09 December 2023

#### Keywords:

*Strategic spatial planning, rentier economic-political barrier, spatial-geographical barrier, sustainable arrangement of space, Iran.*

### ABSTRACT

Strategic spatial planning is presented as an approach to deal with the chronic challenges facing the sustainable use of space, i.e. the physical-spatial division and the policy-planning division. However, there are major barriers to realizing this approach in Iran, which are affected by its governance and planning system approaches. In this regard, the current research has attempted to identify and explain the major barriers to the realization of strategic spatial planning in Iran with an exploratory approach and a combined interview and targeted Delphi method. The data was collected through a semi-structured interview in the form of a targeted Delphi method in two rounds of 25 experts, and the barriers and related concepts were confirmed, extracted and described using MAXQDA software and Kendall's coefficient of agreement. The results of 405 extracted codes indicated that there are 4 major barriers to the realization of strategic spatial planning in Iran, which are: geographical-spatial barrier (6 explanatory concepts and 26% of the extracted codes), rentier political economy barrier (7 explanatory concepts and 34% of extracted codes), institutional division barrier (7 explanatory concepts and 23% of extracted codes) and structural-spatial division barrier (7 explanatory concepts and 17% of extracted codes). The present study highlights the importance of recognizing and correctly confronting and taking constructive measures against the four mentioned barriers, which are the main sources of physical-spatial and political-planning divisions in the way of realizing strategic spatial planning in Iran.

**Cite this article:** Alizadeh ,H ;AmanPour ,S. (2023). Explaining The Barriers to The Realization of Strategic Spatial Planning in Iran. *Town and Country Planning*.15 (2), 365-379. DOI: 10.22059/jtcp.2023.366684.670413



© Hadi Alizadeh, Saeed Amanpour. **Publisher:** University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jtcp.2023.366684.670413>



انتشارات دانشگاه تهران

## آمایش سرزمین

سایت نشریه: <https://jtcp@ut.ac.ir/>

شاپا الکترونیکی: ۶۲۶۸-۲۴۲۳

### تبیین موانع تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران

هادی علیزاده<sup>۱\*</sup> | سعید امان‌پور<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: [std.hadi@gmail.com](mailto:std.hadi@gmail.com)

۲. گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: [amanpour@scu.ac.ir](mailto:amanpour@scu.ac.ir)

#### اطلاعات مقاله

#### چکیده

#### نوع مقاله:

پژوهشی

#### تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸

#### کلیدواژه:

آمایش پایدار فضا،

ایران،

برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک،

موانع اقتصاد-سیاسی رانتیر،

موانع مکانی-جغرافیایی.

برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک به عنوان رویکردی برای غلبه بر چالش‌های مزمن پیش روی آمایش پایدار فضا یعنی تفرق کالبدی-فضایی و تفرق سیاستی-برنامه‌ریزی ارائه شده است. با این حال موانع عمده‌ای پیش روی تحقق این رویکرد در ایران وجود دارد که متأثر از نظام حکمرانی و برنامه‌ریزی است. پژوهشگران در پژوهش حاضر با رویکرد اکتشافی و با روش ترکیبی مصاحبه‌ای و دلفی هدفمند تلاش کرده‌اند موانع عمده پیش روی تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران را شناسایی و تشریح کنند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در قالب روش دلفی هدفمند در دو راند از ۲۵ متخصص گردآوری شد و موانع و مفاهیم وابسته با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا و ضریب توافقی کندال مورد تأیید و استخراج و تشریح قرار گرفت. نتایج حاصل از ۴۰۵ کد استخراجی نشان داد چهار مانع عمده پیش روی تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران قرار دارند که عبارت‌اند از: مانع مکانی-جغرافیایی (۶ مفهوم تبیین‌کننده و ۲۶٪ از کدهای استخراجی)، مانع اقتصاد سیاسی رانتیر (۷ مفهوم تبیین‌کننده و ۳۴٪ از کدهای استخراجی)، مانع تفرق نهادی (۷ مفهوم تبیین‌کننده و ۲۳٪ از کدهای استخراجی)، و مانع ساختاری-فضایی (۷ مفهوم تبیین‌کننده و ۱۷٪ از کدهای استخراجی). پژوهش حاضر اهمیت شناخت و مواجهه صحیح و اقدامات سازنده در برابر چهار مانع یادشده را که منشأ اصلی بروز تفرق کالبدی-فضایی و سیاستی-برنامه‌ریزی در راه تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران است را مورد تأکید قرار می‌دهد.

استناد: علیزاده، هادی و امان‌پور، سعید (۱۴۰۲). تبیین موانع تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران. *آمایش سرزمین*، ۱۵ (۲) ۳۶۵-۳۷۹.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jtcp.2023.366684.670413>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© هادی علیزاده، سعید امان‌پور

DOI: <http://doi.org/10.22059/jtcp.2023.366684.670413>



## ۱. مقدمه

امروزه آمایش پایدار سرزمین وابسته به برهم‌کنش پایدار محرک‌هایی است که در قالب یک رویکرد تعامل و شبکه‌ای بتواند توسعه‌ای متوازن را در سطوح فضایی سرزمین رقم بزند (علیزاده، ۱۳۹۸: ۱۱۹). در رویکردهای نوین توسعه منطقه‌ای، داشتن شبکه شهری هم‌افزا، توسعه خلاقانه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی، و کارآفرینی رقابت‌گرا می‌تواند ضامن تحرک پیشران‌های توسعه در سطح شهری و منطقه‌ای شود و در سطح کلان به آمایش خردمندان رابطه بین انسان و فضا بینجامد (Albrechts, 2010: 4).

یکی از چالش‌های مهم تحقق آمایش پایدار سرزمین ارتباط و تعامل نادرست و متعاقباً فرایندهای چالش‌زای ایجادشده بین متغیرهای کلان آن، یعنی «انسان» و «فضا»، است. این تعامل ناصحیح و فرایندهای چالش‌زا در سطح ملی تا محلی خود را در قالب تفرق و برون‌دادهای چندپاره نشان می‌دهد (ثامنی و زبردست، ۱۴۰۲: ۱۲۸). مهم‌ترین تفرق‌های مربوط به این دو متغیر کلان را می‌توان در تفرق سیاستی-برنامه‌ریزی و تفرق کالبدی-فضایی متصور شد. این دو گونه اساسی تفرق در کشور ما که برگرفته از ماهیت سیستم حکمرانی و برنامه‌ریزی از یک طرف و الگوی توسعه فضایی از سوی دیگر است **خالق** چالش‌های اساسی و ریشه‌ای است که خود را در نظام سیاست‌گذاری و همچنین الگوهای توسعه فضایی نشان می‌دهد (امان‌پور و علیزاده، ۱۳۹۸: ۱۶۲).

تفرق سیاستی-برنامه‌ریزی خود را در شکل‌گیری طرح‌ها و سیاست‌های چندگانه اعمال‌شده توسط نهادهای متعدد و ذی‌نفعان متعدد نشان می‌دهد. نتیجه این چندصدایی شکل‌گیری توسعه چندپاره و جزیره‌ای و بدون همگونی و یکپارچگی کالبدی-فضایی است (شریف‌زادگان و قانونی، ۱۳۹۸: ۶). این کشمکش‌ها در اثر اعمال نفوذ و قدرت در فرایند توسعه فضایی توسط نهادهای مختلف در قالب سیاست‌ها و طرح‌های متعدد، تحت لوای تفرق سیاستی-برنامه‌ریزی، باعث تعمیق و مزمن شدن چالش‌های توسعه شهری و منطقه‌ای و شکل‌گیری چالش‌هایی چون توسعه مرکز-پیرامونی، توسعه بدقواره شهری، بافت‌های ناکارآمد شهری، حاشیه‌نشینی، و اسکان غیررسمی می‌شود (اسدی، ۱۳۹۵: ۶)؛ چالش‌هایی که به صورت تفرق کالبدی-فضایی خود را بروز می‌دهد و عامل اصلی عدم تحقق توسعه متوازن و انقباض فضایی در سطح شهری و منطقه‌ای و عدم تحقق آمایش پایدار فضایی در سطح سرزمین است.

یکی از راهکارهای اساسی برای مواجهه با تفرق سیاستی-برنامه‌ریزی و همچنین تفرق کالبدی-فضایی اتخاذ رویکرد برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک است (Albrechts, 2015: 511). این رویکرد هم‌سو با یکپارچه‌سازی سیاست‌ها و تصمیم‌سازی‌ها در پهنه‌های محلی تا ملی در قالب حکمرانی یکپارچه نهادها و ذی‌نفعان متعدد در توسعه شهری و منطقه‌ای برای رسیدن به سازمان‌یابی پایدار از فضا است (Mäntysalo et al., 2015: 170). در واقع، اتخاذ برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک مبتنی بر مشارکت‌گرایی گروه‌های سه‌گانه (دولتی، بخش خصوصی، جامعه مدنی) تحت لوای یک حکمرانی یکپارچه، به جای رویکردهای برنامه‌ریزی سنتی (بلوپرنتی) با چندین تصمیم‌ساز، می‌تواند مأموریت اصلی برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در تحقق بخشیدن به وحدت و یکپارچگی در توسعه کالبدی-فضایی و سازمان‌یابی پایدار فضا قلمداد شود (قائدرحمتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۷). این رویکرد با نگاه تحولی در دو بخش حکمرانی و همچنین نظام برنامه‌ریزی سعی در ایجاد یک چشم‌انداز پایدار با استراتژی‌های عملیاتی مشخص با هدف هم‌افزایی بین بازیگران و نیروهای متعدد برای رسیدن به آمایش پایدار فضا دارد (محمودپور و مرادی چادگان، ۱۳۹۸: ۴۴).

با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک مطالعات پیشین نیز بر اهمیت تحقق و شناخت آن صحنه گذاشته‌اند. در این زمینه، شیعه و شکیبامنش (۱۳۹۰) به طور کلی بر اهمیت این رویکرد در رسیدن به یکپارچگی در سازماندهی فضا پرداخته و به معرفی مراحل تحقق آن اقدام کرده‌اند. داداش‌پور و حق‌جو (۱۳۹۷) این رویکرد را پاسخی برای چالش‌های **شهر-منطقه‌های** چندمرکزی دانسته‌اند. هنردان و همکارانش (۱۴۰۲) این رویکرد را پاسخی برای ناکارآمدی برنامه‌ریزی بلوپرنتی معرفی کرده و آن را رویکردی بدیع برای تحول نهادی شمرده‌اند. هرسپرگر<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۱۹) اعلام کرده‌اند شهرها و مناطق شهری برای

تضمین آینده‌ای پایدار از برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک به مثابه یک فعالیت تحول‌آفرین و یکپارچه تحت رهبری بخش عمومی برای ایجاد یک استراتژی توسعه فضایی منسجم به منظور پیگیری توسعه پایدار استفاده می‌کنند. فن دایک<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک را یک رویکرد حاکمیتی برای تحقق یکپارچگی در اقدامات برنامه‌ریزی و حکمرانی دانسته است. هسو<sup>۲</sup> و همکارانش (۲۰۲۲) رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک فضایی را رویکردی هم‌افزا و مشارکتی برای یکپارچه‌سازی سناریوها و اهداف توسعه فضایی در اتحادیه اروپا قلمداد کرده‌اند. بررسی پیشینه برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک اهمیت تغییر پارادایم در سیستم برنامه‌ریزی و تحول در نظام حکمرانی را برای رسیدن به رویکردهای هم‌افزا و مشارکتی و یکپارچه نشان می‌دهد.

بنابراین، با توجه به ضرورت و اهمیت تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در پهنه سرزمینی کشور برای رسیدن به آمایش پایدار سرزمینی و سازمان‌یابی پایدار فضا و غلبه بر تفرق سیاسی-برنامه‌ریزی و تفرق کالبدی-فضایی، در این پژوهش تلاش می‌شود موانع تحقق رویکرد برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران شناسایی شود. در واقع مطالعه رویکرد برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک و نگاه به موانع پیش روی آن برای شناخت آن‌ها، آن هم در سطح ملی، با توجه به نبود پیشینه قابل اتکا در این زمینه می‌تواند نوآوری این پژوهش قلمداد شود.

شناسایی این موانع می‌تواند اقدامات سازنده در مسیر مواجهه صحیح و آگاهانه با تفرق‌های کالبدی-فضایی و سیاسی-برنامه‌ریزی را که ریشه در نظام برنامه‌ریزی و حکمرانی فضایی در کشور دارد تسهیل کند. بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که موانع عمده تحقق رویکرد برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران چگونه تبیین می‌شوند؟

## ۲. مبانی نظری پژوهش

لوئیس آلبرشت<sup>۳</sup> و پتسی هیلی<sup>۴</sup> دو نظریه‌پرداز هستند که از اواخر دهه ۹۰ قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم بر رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک فضایی<sup>۵</sup> متمرکز شده و آن را بسط داده‌اند. این رویکرد رهیافتی کلیدی برای تحقق پایداری در عرصه حکمرانی و برنامه‌ریزی فضایی قلمداد شده است (Newman, 2008: 1372). پتسی هیلی برنامه‌ریزی استراتژیک فضایی را رویکردی فعال و تحول‌گرا برای حکمرانی و برنامه‌ریزی در مواجهه با چالش‌های برآمده از چندپارگی توسعه فضایی در پهنه‌های محلی تا ملی می‌داند.

نکته کلیدی در رویکرد برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک پذیرش تغییرات استراتژیک از دو منظر برنامه‌ریزی و حکمرانی برای رسیدن به یکپارچگی و مشارکت‌گرایی به منظور حل موانع پیش روی دستیابی به آمایش و سازمان‌یابی پایدار و متوازن فضاست. بنابراین دو هسته تحولی در این رویکرد یکی در عرصه حکمرانی با هدف ایجاد یکپارچگی در سیاست‌گذاری و دیگری در عرصه برنامه‌ریزی با هدف ایجاد تغییرات استراتژیک برای گذار از رویکرد متمرکز و بسته سیستم برنامه‌ریزی به سمت رهیافت برنامه‌ریزی استراتژیک است (Hersperger et al., 2020: 2).

تحقق این رویکرد در نظام برنامه‌ریزی و حکمرانی می‌تواند به وحدت سیاست‌های ملی هم‌سو با پایداری کمک کند. در واقع، علت اصلی توجه به رویکرد برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک، جدای از اهمیت رسیدن به یکپارچگی و غلبه بر تفرق سیاسی-برنامه‌ریزی و تفرق فضایی، گذار از رویکرد برنامه‌ریزی متمرکز و بلوپرینتی به سمت رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک است که از اوایل دهه ۹۰ در عرصه نظریه‌ای برنامه‌ریزی ظهور یافت و مورد حمایت قرار گرفت (Van Dijk, 2021: 2).

امان‌پور و علیزاده (۱۳۹۸) ناکارایی برنامه‌ریزی بلوپرینتی را در سه حوزه-نظری و روش‌شناختی، اقتصادی و توسعه‌ای، سیاسی-اجتماعی-معرفی می‌کنند که باعث انتقاد و گذار از آن به سمت رویکردهای تحول‌گرا، چون برنامه‌ریزی سیستمی و برنامه‌ریزی استراتژیک، شد. در جدول ۱ این ناکارآمدی‌ها تشریح شده است.

1. Van dijk
2. Hossu
3. Louis Albrechts
4. Patsy Healey
5. strategic spatial planning

## جدول ۱. ناکارایی‌های اساسی رویکرد برنامه‌ریزی متمرکز (امان‌پور و علیزاده، ۱۳۹۸)

علل	ناکارایی
پیدایش نظریات انتقادی در برابر رویکرد کمی توجه به خرد ارتباطی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری توجه به نسبت‌گرایی به جای قطعی‌نگری توجه به کثرت‌گرایی به جای تک‌محوری	ناکارایی نظریه‌روش‌شناختی
ظهور نظریه توسعه پایدار به جای توسعه مرکز-پیرامونی توجه به زیست‌بوم‌محوری در برابر توسعه کالبدمحور توجه به زیست‌پذیری به جای توسعه فیزیکی توجه به اقتصاد گردشگری و اقتصاد سبز	ناکارایی اقتصادی-توسعه‌ای
توجه به نظریه جامعه مدنی به جای دولت‌محوری پذیرش رویکرد کثرت‌گرایی و مشارکت عمومی توجه به اجتماعات محلی در سیاست‌های برنامه‌ریزی توجه به رویکرد حکمروایی به جای حکومت‌محوری	ناکارایی سیاسی-اجتماعی

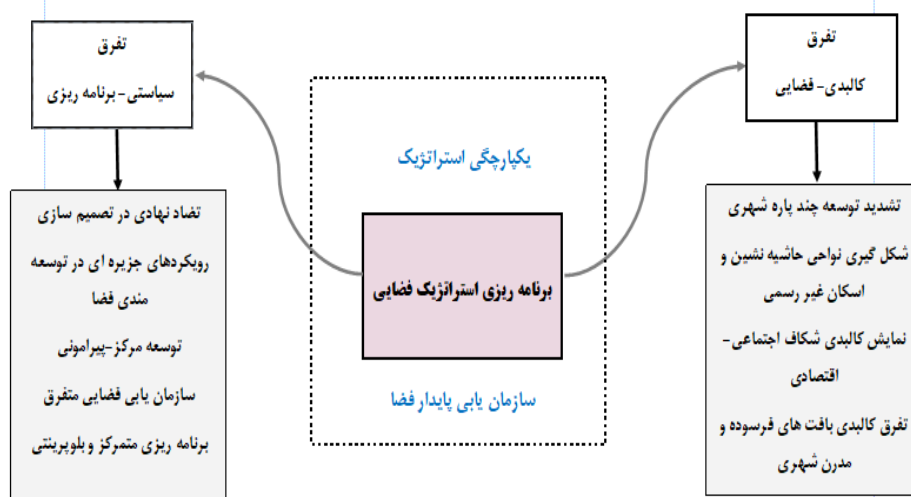
با ظهور این ناکارایی‌ها، توجه به پارادایم‌های جایگزین مورد توجه قرار گرفت. رهیافت برنامه‌ریزی استراتژیک رهیافتی بود که از اوایل دهه ۹۰ در حوزه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفت. لویس آلبرشت گفته است برنامه‌ریزی استراتژیک برای اولین بار در دهه ۱۹۵۰ در بخش خصوصی ایالات متحده آمریکا و به‌خصوص شرکت‌هایی ظهور یافت که نیاز به تغییر و رشد سریع داشتند و برنامه‌ریزی کارآمد برای داشتن آینده‌ای روشن در شرایط عدم قطعیت به‌شدت احساس می‌شد. آنچه بعد از دهه ۱۹۷۰ منجر به توجه گسترده به رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک و کارایی آن در سیاست‌گذاری، برخورد صحیح با عدم قطعیت‌ها، و کارآمدی داشتن تفکر استراتژیک شد بحران نفت و تغییرات جمعیتی و رکود اقتصادی بود (Albrechts, 2004: 744).

اما، فراتر از رهیافت برنامه‌ریزی استراتژیک، برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک به دنبال ایجاد یکپارچگی کارآمد بین نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برای خلق یک چشم‌انداز پایدار برای یک گستره فضایی است (Freidmann, 2004: 50). برنامه‌ریزی استراتژیک فضایی یک مفهوم، رویه، یا ابزار واحد نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از مفاهیم، رویه‌ها، و ابزارهایی است که برای دستیابی به نتایج مطلوب باید به‌دقت متناسب با هر موقعیتی که در دسترس است تنظیم شود. برنامه‌ریزی استراتژیک فضایی به همان اندازه که در مورد فرایند، طراحی نهادی، و بسیج دارایی‌ها و نیروها کاربرد دارد، در مورد توسعه نظریه‌های اساسی در قالب یک فرایند مشخص با هدف توسعه متوازن فضا فعال است (Healey, 2004: 298).

## جدول ۲. وظایف اصلی برنامه‌ریزی استراتژیک فضایی در تحقق بخشی به سازمان‌یابی پایدار فضا (Albrechts, 2004; van Dijk, 2021; Hersperger et al., 2019)

توجه به حوزه‌های کلیدی استراتژیک محدود و مشخص داشتن دیدگاهی انتقادی از محیط به لحاظ تعیین نقاط قوت و ضعف در زمینه فرصت‌ها و تهدیدها مطالعه و شناخت روندها، نیروهای خارجی، و منابع موجود شناسایی و هماهنگ‌سازی سهام‌داران (ذی‌نفعان) اصلی (عمومی و خصوصی) بسترسازی برای مشارکت گسترده (چندلایه از منظر حکمرانی) و متنوع (عمومی، بخش خصوصی، جامعه مدنی) در طول فرایند برنامه‌ریزی با در نظر گرفتن ساختارهای قدرت، عدم قطعیت‌ها و ارزش‌های رقیب، چشم‌انداز یا چشم‌انداز بلندمدت (واقع‌بینانه) و استراتژی‌ها را در سطوح مختلف توسعه می‌دهد.	وظایف تحولی
طراحی ساختارهای برنامه‌ریزی و توسعه تصاویر و چارچوب‌های تصمیم‌گیری محتوایی برای تأثیرگذاری و مدیریت تغییرات فضایی توسعه ایده‌ها و فرایندهای خلاقانه که در توسعه فضایی با بهره‌گیری از راه‌کارهایی برای تشکیل تفاهم، توافق‌ها، و شیوه‌های سازمان‌دهی و بسیج منابع و نیروها به منظور اعمال نفوذ در عرصه‌های مختلف ایجاد می‌شوند. چه در کوتاه‌مدت چه در بلندمدت بر تصمیمات، اقدامات، نتایج، و اجرا متمرکز می‌شود و نظارت و بازخورد و بازنگری را در بر می‌گیرد.	

برآیند پیشینه موجود و دیدگاه‌های ارائه شده برای صورت‌بندی و تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک نشان می‌دهد تحقق این رویکرد به صورت یکپارچگی استراتژیک هم‌سو با سازمان‌یابی پایدار فضا برای مواجهه با تفرق کالبدی- فضایی و تفرق سیاستی- برنامه‌ریزی خواهد بود.



شکل ۰۱. مدل مفهومی صورت‌بندی برنامه‌ریزی استراتژیک فضایی

### ۰۳ روش و ابزار تحقیق

در زمینه ساخت موانع تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران، این تحقیق با رویکرد اکتشافی از روش ترکیبی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و تکنیک دلفی هدفمند بهره گرفته است. در واقع، برای گردآوری داده‌ها (کدها و تم‌های اصلی تبیین‌کننده موضوع پژوهش) از طریق یک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته تلاش شد به روش دلفی هدفمند دیدگاه‌های ۲۵ نفر از کارشناسان و متخصصان مرتبط با موضوع (جدول ۲) در دو راند گردآوری و تدوین و تحلیل شود. در این زمینه، راند اول به مصاحبه با کارشناسان و ضبط و نگارش یافته‌های شفاهی مربوط به هر ۲۵ مصاحبه اختصاص داشت که برای شناسایی تم‌ها (موانع) و کدهای اولیه در یک بازه زمانی ۴ ماهه از بهمن ۱۴۰۱ تا اردیبهشت ۱۴۰۲ انجام گرفت. بعد از راند اول، برای شناسایی، طبقه‌بندی، و انتظام‌بخشی کدها و تم‌های اولیه گردآوری شده حاصل از نظرات کارشناسان از نرم‌افزار تحلیل کیفی مکس کیودا<sup>۱</sup> استفاده شد. سپس، در راند دوم، از کارشناسان خواسته شد تا کدهای استخراج‌شده و تدوین‌شده را مورد تأیید یا عدم تأیید قرار دهند تا اجماع (توافق) مد نظر بر روی کدها و تم‌های استخراج‌شده در مرحله پیشین حاصل شود. این مرحله (راند دوم) در یک بازه زمانی ۴۰ روزه و از نیمه خردادماه تا اواسط مردادماه ۱۴۰۲ به طول انجامید. برای تحلیل میزان توافق و درجه اجماع کارشناسان در راند دوم، از ضریب توافقی کندال<sup>۲</sup> استفاده شد. در این مرحله، کدهایی مد نظر قرار گرفتند که میزان ضریب اجماع کارشناسی آن‌ها بالای ۰/۷۰ بود. در نهایت، بعد از تأیید نهایی کدهای استخراج‌شده، ۴۰۵ کد در قالب ۴ تم (مانع) و ۲۸ مفهوم مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفت که در بخش یافته‌ها تشریح شده‌اند.

جدول ۰۳. اطلاعات توصیفی کارشناسان پژوهش

درصد فراوانی	رشته	فراوانی	رشته
۵۲٪	آمایش سرزمین جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری برنامه‌ریزی منطقه‌ای	۱۳	استاد دانشگاه
۲۸٪	وزارت راه و شهرسازی اداره کل راه و شهرسازی سازمان برنامه و بودجه شهرداری	۷	مدیر دولتی
۲٪	-	۵	مهندس مشاور

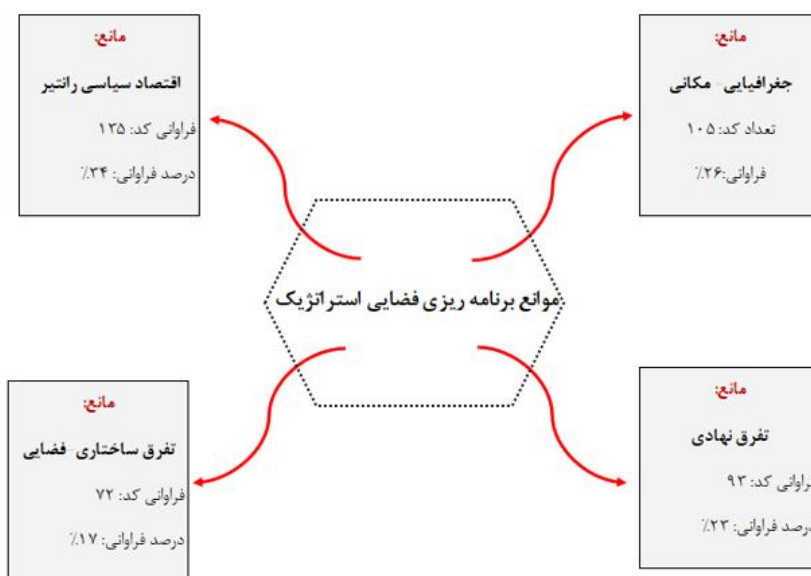
1. MAXQDA

2. kendal w coefficient

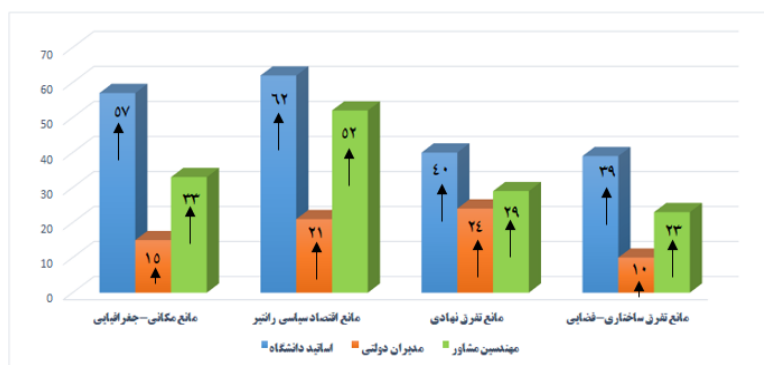
#### ۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل اطلاعات گردآوری شده حاصل از مصاحبه با کارشناسان نشان داد در مجموع ۴۰۵ کد در قالب ۴ تیم یا مانع اصلی و ۲۸ مفهوم نهایی شناسایی شدند که در شکل ۳ تشریح شده‌اند.

نتایج مربوط به استخراج کدها و پراکنش آن‌ها نشان می‌دهد که چهار عامل یا مانع مکانی-جغرافیایی، اقتصاد سیاسی رانتیر، تفرق نهادی، و تفرق ساختاری-فضایی به منزله موانع اصلی عدم تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در کشور عمل می‌کنند. در این بین و بر حسب کدها و مفاهیم استنباط شده (۳۴٪) بیشترین تأثیر در عدم تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در کشور را می‌توان با توجه به مانع اقتصاد سیاسی رانتیر تبیین و تفسیر کرد (شکل ۳). در شکل ۳ همچنین تعداد پراکنش کدهای ارائه شده بر اساس نظر گروه‌های کارشناسی برای هر چهار مانع تشریح شده است.



شکل ۲. موانع استخراج شده عدم تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران



شکل ۳. فراوانی کدهای ارائه شده برای موانع از منظر گروه‌های کارشناسی

#### ۵. یافته‌ها و بحث

##### ۵.۱. مانع مکانی-جغرافیایی

مانع مکانی-جغرافیایی یکی از موانع اصلی عدم تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران است. این مانع ۲۶ درصد از کدهای ارائه شده به عنوان مفاهیم تبیین کننده عدم تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران را تبیین کرده است. این مانع یکی از عوامل اساسی در شکل‌گیری تفرق کالبدی-فضایی به عنوان یکی از چالش‌های اساسی برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک

در سطح کلان کشور و عدم دستیابی به آمایش پایدار فضا قلمداد می‌شود. این مانع بر اساس مفاهیم استخراج شده برای آن بر موانع مرتبط با تغییرات اقلیمی و الگوی نامتوازن توسعه مکانی- فضایی گرهگاه‌ها در پهنه جغرافیایی کشور و عدم توجه به توان‌های محیطی، طبیعی، و محلی در بهره‌برداری از استعدادها و آن‌ها برای اتخاذ رویکرد صحیح در سازمان‌یابی فضایی و آمایش خردمندانه فضا متمرکز است. جدول ۴ مفاهیم تبیین‌کننده مانع مکانی- جغرافیایی در عدم تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران را تشریح کرده است.

جدول ۴. مانع مکانی-جغرافیایی و مفاهیم وابسته برای تبیین عدم تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران

مانع	مفاهیم	فراوانی
مکانی-جغرافیایی	تغییرات اقلیمی متعدد و تأثیرات منفی آن در توازن جمعیتی و اقتصادی فضا بخش‌های شرقی، مرکزی، جنوبی، و جنوب غربی ایران	۱۹٪۱۸
	ساختار مرکز-پیرامونی در توسعه مکانی-جغرافیایی و عقب‌ماندگی توسعه فضایی در پهنه‌های مرزی، شرقی، و جنوبی کشور	۲۵٪۲۴
	عدم توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و مکانی و عدم توجه به اتخاذ تخصص‌گرایی در آمایش فضایی بر مبنای توان‌ها و پتانسیل‌های محلی	۳۹٪۲۸
	الگوی توسعه مکانی تک‌هسته‌ای به جای سازمان‌یابی توسعه شهری-منطقه‌ای به صورت شبکه‌ای و همگرا در کشور	۱۱٪۱۰
	توسعه مکانی چندپاره و عدم توجه و بهره‌گیری از توان و استعداد پهنه‌های جغرافیایی مرزی و ساحلی در سازمان‌یابی پهنه فضایی کشور	۱۲٪۱۲
	عدم توجه به آمایش جغرافیایی بر مبنای شهر-منطقه‌ها و شبکه‌های شهری و منطقه‌ای در پهنه‌های دارای استعدادها و منابع طبیعی، کشاورزی، معدنی، و انرژی	۹٪۹

با توجه به فراوانی به‌دست‌آمده برای مفاهیم تبیین‌کننده مانع مکانی-جغرافیایی، مهم‌ترین مفاهیم تبیین‌کننده این مانع در برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک کشور «عدم توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و مکانی و عدم توجه به تخصص‌گرایی در آمایش فضایی بر مبنای توان‌ها و پتانسیل‌های محلی»، «ساختار مرکز-پیرامونی و سلسله‌مراتبی در توسعه مکانی-جغرافیایی عقب‌ماندگی توسعه فضایی در پهنه‌های مرزی، شرقی، و جنوبی کشور»، و «تغییرات اقلیمی متعدد و تأثیرات منفی آن بر توازن جمعیتی و اقتصادی فضا در بخش‌های شرقی، مرکزی، جنوبی، و جنوب غربی ایران» هستند. با توجه به نتایج این مرحله، عدم توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و مکانی و عدم اتخاذ تخصص‌گرایی در آمایش فضایی بر مبنای توان‌ها و پتانسیل‌های محلی یکی از معضلات اساسی از منظر مکانی-جغرافیایی است و بیشترین اهمیت را در بین مفاهیم مربوط به موانع مکانی-جغرافیایی دارد. فرجی‌راد و همکارانش (۱۳۹۱)، جعفریان و همکارانش (۱۳۹۸)، داداش‌پور و رستمی (۱۳۹۸)، و ذاکری (۱۴۰۲) اشاره کرده‌اند عدم بهره‌گیری از توان‌های محلی و استعدادهای موجود در پهنه‌های جغرافیایی سرزمین و عدم حمایت و برنامه‌ریزی برای تخصص‌گرایی بر حسب توان‌ها یکی از معضلات شکل‌گیری سازمان‌یابی و آمایش پایدار فضایی در سطح منطقه‌ای در ایران است که جداافتادگی از روند توسعه متوازن را در برنامه‌ریزی فضایی کشور به دنبال داشته است. عدم توازن در توزیع جغرافیایی توسعه و آمایش فضا خود منجر به شکل‌گیری توسعه مرکز-پیرامونی و انقباض فضایی در مناطق پیرامونی و مرزی کشور شده است و توسط مطالعاتی چون مطالعات شهیکی‌تاش و همکارانش (۱۳۹۴)، خاوریان گرمسیر (۱۳۹۸)، و داداش‌پور و شجاعی (۱۴۰۱) مورد تأیید قرار گرفته است.

## ۵.۲. مانع اقتصاد سیاسی رانتیر

مانع اقتصاد سیاسی رانتیر مانعی مزمن برای کشورهای در حال توسعه به‌خصوص کشور ماست که سیستم برنامه‌ریزی، نظام حکمرانی، و الگوی توسعه فضایی کشور را تحت تأثیر سیاست‌های خود قرار می‌دهد. این موضوع که خود به بحران مشروعیت در آمایش سرزمین منجر شده است معلول فرایندهایی است که دولت و کارگزاران مربوطه سعی در توجیه قدرت و اعمال نفوذ خود در ساختاردهی و سازماندهی بر فضا دارند (ثامنی و زبردست، ۱۴۰۲: ۱۲۸). نتایج نشان می‌دهد بیشترین فراوانی به‌دست‌آمده بین کدها و مفاهیم وابسته به موانع شناسایی شده مربوط به کدها و مفاهیم استخراج شده برای مانع اقتصاد سیاسی رانتیر است. مفاهیم



اصلی وابسته به موانع اقتصاد سیاسی رانتیر که از عوامل کلیدی رخداد تفرق‌های فزاینده به‌ویژه تفرق کالبدی- فضایی و همچنین تفرق برنامه‌ریزی- سیاستی در عرصه برنامه‌ریزی و حکمرانی فضایی استراتژیک کشور است در جدول ۵ تشریح شده‌اند.

جدول ۵. موانع اقتصاد سیاسی رانتیر و مفاهیم وابسته برای تبیین عدم تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران

موانع	مفاهیم	فراوانی
تفرق نهادی	تمرکزگرایی قدرت و ثروت و تشکیل هرم سیاست‌گذاری به نفع پایتخت و جداافتادگی و عدم یکپارچگی در حکمرانی توسعه و سازمان‌یابی فضایی کشور	۲۰٪۱۵
	اقتصاد مبتنی بر نفت و عدم سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برای تحقق ساختار اقتصادی متنوع در توسعه و سازمان‌یابی خلاقانه و پایدار فضا	۳۷٪۲۰
	شکل‌گیری رقابت‌گرایی مبتنی بر سود و قطبی‌گرایی در تک‌هسته‌ها (کلان‌شهرها)	۱۶٪۱۲
	تحلیل هزینه- فایده به نفع هسته‌های برخوردار در سازمان‌یابی فضایی کشور	۱۸٪۱۳
	شکل‌گیری هسته‌های ماکروسفالی پردرآمد حول محور نفت و صنایع پالایشگاهی به جای برنامه‌ریزی فضایی شبکه‌محور در پهنه سرزمین و مناطق کم‌برخوردار و مرزی	۲۱٪۱۶
	توسعه و سازمان‌یابی مبتنی بر منابع وابسته به نفت و انرژی و عدم تنوع و پایداری در گزینه‌های حکمرانی فضایی	۱۹٪۱۴
	سیستم برنامه‌ریزی و حکمرانی متمرکز و عدم انعطاف و بهره‌گیری از رویکردهای استراتژیک و پایدار در برنامه‌ریزی فضایی سرزمین	۱۴٪۱۰

مفاهیم اصلی صورت‌بندی شده برای موانع اقتصاد سیاسی رانتیر نشان می‌دهد «اقتصاد مبتنی بر نفت و عدم سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برای تحقق ساختار اقتصادی متنوع در توسعه و سازمان‌یابی خلاقانه و پایدار فضا»، «شکل‌گیری هسته‌های ماکروسفالی پردرآمد حول محور نفت و صنایع پالایشگاهی به جای برنامه‌ریزی فضایی شبکه‌محور در پهنه سرزمین و در مناطق کم‌برخوردار و مرزی»، و «تمرکزگرایی قدرت و ثروت و تشکیل هرم سیاست‌گذاری به نفع پایتخت و جداافتادگی و عدم یکپارچگی در حکمرانی توسعه و سازمان‌یابی فضایی کشور» مهم‌ترین مفاهیم تبیین‌کننده این موانع در عرصه برنامه‌ریزی فضایی کشور هستند.

اتکا به اقتصاد تک‌محصولی و شکل‌گیری برنامه‌ریزی متمرکز و رانت‌مینا با ماهیت قدرت‌مداری و تجویز و تولید فضا به وسیله دولت باعث عدم شکل‌گیری اقتصاد خلاق، رقابت‌گرا، و پایدار در سطح ملی و نظام شهری و منطقه‌ای شده است که خود نقشی اساسی در عدم تعادل در آمایش اقتصادی فضا دارد؛ چالشی که توسط رهنمایی و وثوقی‌لنگ (۱۳۹۲)، شریف‌زادگان و قانونی (۱۳۹۶)، داداش‌پور و رستمی (۱۳۹۸)، و حاتمی‌نژاد و عمو (۱۳۹۸) در قالب چالش‌های سازمان‌یابی فضایی و شکل‌دهی چشم‌انداز نامطلوب به آمایش فضایی شهری و منطقه‌ای کشور مورد تصدیق قرار گرفته است. این مسئله همچنین در شکل‌گیری هسته‌های ماکروسفالی پردرآمد حول محور نفت و صنایع پالایشگاهی به جای برنامه‌ریزی فضایی شبکه‌محور در مناطق کم‌برخوردار و مرزی تأثیر بسزایی داشته است. قنبری و روستایی (۱۳۹۲)، ایمانی‌شاملو و همکارانش (۱۳۹۷)، و متقی (۱۳۹۹) این روند رشد و توسعه فضایی را در قالب نوعی بدقوارگی در سازمان‌یابی فضایی کشور مورد تأیید قرار می‌دهند. روند یادشده تأثیر به‌سزایی در عدم تعادل و حتی تمرکزگرایی قدرت و ثروت و تشکیل هرم سیاست‌گذاری به نفع پایتخت و جداافتادگی و عدم یکپارچگی در حکمرانی توسعه و سازمان‌یابی فضایی کشور داشته است (علیزاده، ۱۳۹۸).

### ۵.۳. تفرق نهادی

تفرق نهادی یکی از معضلات اصلی نظام حکمرانی و برنامه‌ریزی در فرایند آمایش سرزمین در ایران است که در اینجا نیز به عنوان یکی از موانع اصلی تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک قلمداد شده است. این چالش مزمن از نتایج اصلی تفرق سیاستی- برنامه‌ریزی در عرصه برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران است. باید توجه داشت که رخداد تفرق سیاستی- برنامه‌ریزی موجب تفرق کالبدی- فضایی در برنامه‌ریزی فضایی خواهد شد. در واقع، تفرق نهادی چالشی است که هر دو مسئله مدنظر در برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک، یعنی تفرق سیاستی و برنامه‌ریزی و تفرق کالبدی- فضایی، را پوشش می‌دهد و مواجهه صحیح و تلاش برای رفع آن می‌تواند قدم بزرگی در راه تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران باشد. جدول ۶ مفاهیم اصلی وابسته به موانع تفرق نهادی در مسیر تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۶. موانع تفرق نهادی و مفاهیم وابسته برای تبیین عدم تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران

فرآوانی	مفاهیم	مانع
۲۱	وجود نهادهای متعدد تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در سطوح محلی، منطقه‌ای، و ملی برای برنامه‌ریزی فضایی سرزمین	تفرق نهادی
۱۱	وجود شکاف و تضاد منافع بین نهادهای تصمیم‌ساز (برنامه‌ریز) و نهادهای تصمیم‌گیر (مدیریت و اجرایی) در فرایند برنامه‌ریزی فضایی سرزمین	
۱۰	فقدان حکمرانی یکپارچه در تعیین اولویت‌های مربوط به آمایش پایدار فضایی در بین نهادهای ذی‌نفع	
۱۵	وجود شکاف بین دانش و عمل بین نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر برنامه‌ریزی فضایی سرزمین	
۱۲	وجود تفکر رقابت‌گرا و قطبی‌اندیشی بین نهادهای برنامه‌ریز و حکمران برای تأثیرگذاری در فرایند برنامه‌ریزی فضایی سرزمین	
۱۰	عدم اتخاذ رویکرد مشارکتی و مدیریت یکپارچه برای غلبه بر منافع سازمانی و یک‌جانبه‌گرایی در تهیه و ترسیم اولویت‌ها و اُفق‌های برنامه‌ریزی فضایی سرزمین	
۱۴	عدم ارتباط و تعامل صحیح، شبکه‌ای، و چندسویه بین نهادهای عامل در برنامه‌ریزی فضایی محلی با منطقه‌ای و ملی برای درک صحیح از استعدادها، اولویت‌ها و نیازهای تحقق آمایش پایدار فضایی	

نتایج مربوط به مفاهیم استخراج‌شده برای تبیین نقش مانع نهادی در تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک نشان می‌دهد که «وجود نهادهای متعدد تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در سطوح محلی، منطقه‌ای، و ملی برای برنامه‌ریزی فضایی سرزمین»، «وجود شکاف بین دانش و عمل بین نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در برنامه‌ریزی فضایی سرزمین»، و «عدم ارتباط و تعامل صحیح، شبکه‌ای، و چندسویه بین نهادهای عامل در برنامه‌ریزی فضایی محلی با منطقه‌ای و ملی برای درک صحیح از استعدادها، اولویت‌ها، و نیازهای تحقق آمایش پایدار فضایی» مهم‌ترین مفاهیم در تبیین مانع تفرق نهادی هستند. یکی از چالش‌های اساسی و مزمن در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در عرصه برنامه‌ریزی فضایی کشور وجود نهادهای متعدد و ذی‌نفع و نبود مدیریت یکپارچه و حکمرانی جزیره‌ای در این زمینه است که خود منجر به ایجاد شکاف و فاصله بین دانش و عمل در نظام برنامه‌ریزی و اجرا در کشور نیز شده است. در این زمینه توکلی و همکارانش (۱۳۹۷)، علیزاده (۱۳۹۸)، داداش‌پور و رستمی (۱۳۹۸)، و خیرالدین و همکارانش (۱۴۰۰) به نقش و اهمیت چالش تفرق نهادی و وجود ذی‌نفعان متعدد در نظام سیاست‌گذاری فضایی کشور که منجر به شکل‌گیری توسعه فضایی چندپاره و نامتوازن در نظام شهری و منطقه‌ای می‌شود اشاره کرده‌اند. نتیجه چنین چالشی، همان‌طور که علیزاده (۱۳۹۸) و ثامنی و زبردست (۱۴۰۲) تأکید کرده‌اند، منجر به عدم شکل‌گیری ارتباط و تعامل صحیح و شبکه‌ای و چندسویه بین نهادهای عامل در برنامه‌ریزی فضایی محلی با منطقه‌ای و ملی برای درک صحیح از استعدادها و اولویت‌ها و نیازهای تحقق آمایش پایدار فضایی در کشور شده است.

#### ۴.۵. تفرق ساختاری- فضایی

تفرق ساختاری- فضایی معلول نظام برنامه‌ریزی و حکمرانی متمرکز در کشور است. این مانع نشان‌دهنده آثاری است که از عدم تعادل فضایی و سازمان‌یابی قطبی‌گرایانه فضا در کشور ناشی می‌شود. در مباحث مربوطه این تفرق را همچنین معلول اقتصاد سیاسی حاکم بر فضا نیز بیان کرده‌اند (Obeng-Odoom, 2022: 139). جدول ۷ مفاهیم اصلی وابسته به تفرق ساختاری- فضایی برای تبیین عدم تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران را تشریح کرده است.

جدول ۷. مانع تفرق ساختاری- فضایی و مفاهیم وابسته برای تبیین عدم تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران

فرآوانی	مفاهیم	مانع
۱۸	عدم جذابیت شهرهای میانی و کوچک در نظام شهری منطقه‌ای و رخداد انقباض فضایی در این پهنه‌ها و مهاجرت به کلان‌شهرها	تفرق ساختاری
۲۵		

۱۱٪	۸	عدم توجه به همگرایی قومیتی در آمایش فضایی پهنه‌های مستعد به‌خصوص در نواحی مرزی، شرقی، و جنوبی کشور
۱۸٪	۱۳	فقدان زیرساخت‌های حیاتی تاب‌آور در پهنه‌های شهری و منطقه‌ای هم‌سو با سازماندهی و آمایش پایدار و تاب‌آور فضا
۶٪	۴	سازمان فضایی پراکنده و لکه‌ای و عدم توجه به توسعه هم‌افزا و متوازن و شبکه‌ای در نظام شهری و منطقه کشور
۶٪	۴	عدم تناسب توسعه کالبدی- فضایی با توانمندی‌ها و پتانسیل‌های محلی و منطقه‌ای برای تقویت آمایش اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی فضا
۱۴٪	۱۰	توزین نامتوازن منابع و زیرساخت‌ها و عدم توجه به تعادل فضایی در مناطق مرزی، کرانه‌های ساحلی، و مناطق مرکزی
۲۱٪	۱۵	عدم تعریف دقیق و صحیح جایگاه و نقش‌های کارکردی ملی، منطقه‌ای، و ناحیه‌ای برای شهرها هم‌سو با توازن بخشی به آمایش فضایی کشور

مهم‌ترین مفاهیم تبیین‌کننده مانع تفرق ساختاری- فضایی در برنامه‌ریزی فضایی ایران «عدم جذابیت شهرهای میانی و کوچک در نظام شهری منطقه‌ای و رخداد انقباض فضایی در این پهنه‌ها و مهاجرت به کلان‌شهرها»، «فقدان زیرساخت‌های حیاتی تاب‌آور در پهنه‌های شهری و منطقه‌ای جهت سازماندهی و آمایش پایدار و تاب‌آور فضا»، و «عدم تعریف دقیق و صحیح جایگاه و نقش‌های کارکردی در سطوح ملی، منطقه‌ای، و ناحیه‌ای برای شهرها هم‌سو با توازن بخشی به آمایش فضایی کشور» هستند که در سایه تفرق‌های سیاستی- برنامه‌ریزی و تفرق کالبدی- فضایی حاکم بر اصول سازماندهی فضا و آمایش سرزمین در کشور روند تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در کشور را از منظر این مانع (ساختاری- فضایی) مختل کرده‌اند. همان‌طور که علی‌اکبری (۱۳۹۲)، تقوایی و کنعانی (۱۳۹۳)، قادرمرزی و رحمانی (۱۳۹۸) اشاره کرده‌اند، مسئله انقباض فضایی به‌خصوص بین شهرهای میانی و کوچک، که می‌توانند موتور محرکه تحقق آمایش متوازن منطقه‌ای و شکل‌گیری نظام شهری پویا در سطح ملی و منطقه‌ای باشند، یکی از چالش‌های اساسی تعادل فضایی و گذار از رویکرد سلسله‌مراتبی در نظام شهری به سمت رویکرد شبکه‌ای است. در این بین، یکی از عوامل اثرگذار نبود زیرساخت‌های حیاتی تاب‌آور به‌خصوص در نواحی غیرمرکزی منطقه‌ای است که عمدتاً مناطق روستایی و شهرهای کوچک و میانی هستند که از ساختار سنتی و ارگانیک و عمدتاً فرسوده زیرساختی رنج می‌برند. این چالش و نبود پخشایش متوازن امکانات و تسهیلات متوازن در سطح منطقه‌ای باعث کاهش و از بین رفتن جایگاه شهرهای غیرمرکزی می‌شود که خود عامل اصلی در کاهش کیفیت زندگی و مهاجرت به مکان‌های مرکزی و برهم خوردن تعادل ساختاری فضایی در آمایش فضا در منطقه و در نهایت سرزمین است (امان‌پور و علیزاده، ۱۳۹۲).

## نتیجه

در پژوهش حاضر تلاش شد نشان داده شود برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک یکی از پایدارترین رهیافت‌ها برای غلبه بر تفرق فضایی- کالبدی و تفرق برنامه‌ریزی- سیاستی در فرایند سازماندهی و آمایش پایدار فضاست که به عنوان حلقه مفقوده برنامه‌ریزی فضایی در ایران مطرح است. این پژوهش با رویکرد ترکیبی به روش مصاحبه‌ای و دلفی هدفمند نشان داد ۴ مانع عمده تحقق برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک در ایران عبارت‌اند از: مانع مکانی- جغرافیایی، مانع اقتصاد سیاسی رانتیر، مانع تفرق نهادی، و مانع ساختاری- فضایی. این موانع حاصل ۴۰۵ کد مفهومی استخراج‌شده از روند مصاحبه‌های پژوهش بود که نشان داد در بین این موانع بیشترین مفاهیم و کدهای استخراج‌شده سهم مانع اقتصاد سیاسی رانتیر است که جهت‌دهنده نظام برنامه‌ریزی و حکمرانی کشور در فرایند آمایش فضاست. دومین مانع از منظر پراکنش مفاهیم و کدهای مستخرج مانع مکانی- جغرافیایی بود که مفاهیم اصلی آن در راستای درگیری پهنه‌های مکانی و جغرافیایی کشور با توسعه مرکزپیرامون و جدافتادگی‌های ناشی از نظام برنامه‌ریزی و حکمرانی متمرکز در کشور و در نهایت تغییرات اقلیمی است. مانع سوم، مانع تفرق نهادی بود که از عوامل اساسی رخداد تفرق برنامه‌ریزی و سیاستی در عرصه برنامه‌ریزی فضایی در ایران و عدم یکپارچگی و آمایش پایدار فضایی آن است. در نهایت مانع چهارم مانع ساختاری فضایی بود که عمدتاً خود را در تفرق کالبدی- فضایی کشور از منظر برخورداری‌ها، توسعه لکه‌ای، و انقباض فضایی در بین نواحی روستایی و شهرهای کوچک و میانی به نفع هسته‌های بزرگ شهری (شهرهای مادر و کلان‌شهرها) نشان می‌دهد.



شکل ۴. موانع تحقق برنامه ریزی فضایی استراتژیک ایران

## منابع

- اسدی، ایرج (۱۳۹۵). ارزیابی تجدید سازمان حکمروایی پیشنهادی برای مدیریت یکپارچه مناطق کلان‌شهری ایران. *هنرهای زیبا*، ۲۴ (۱)، ۵۷ - ۷۰.
- امان‌پور، سعید و علیزاده، هادی (۱۳۹۲). ارزیابی شاخص‌های توسعه پایدار در استان کرمانشاه با استفاده از تحلیل رگرسیونی و تحلیل سلسله‌مراتبی فازی FAHP. *جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای*، ۳ (۹)، ۸۳ - ۹۶.
- ایمانی‌شاملو، جواد؛ پورجعفر، محمدرضا و رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۷). نقش مؤلفه‌های اقتصادی مبتنی بر نفت در تحولات فضایی کلان‌شهرهای تهران و تبریز. *آمایش سیاسی فضا*، ۱ (۱)، ۱ - ۹.
- تقوایی، مسعود و کنعانی، محمدرضا (۱۳۹۳). بررسی وضعیت تعادل فضایی نظام شهری ایران در سطوح ملی- منطقه‌ای طی ۶۰ سال اخیر. *برنامه‌ریزی فضایی*، ۴ (۱)، ۱۶۹ - ۲۰۲.
- توکلی‌مرتضی، ابراهیمی؛ آرام، حمیدی و تهرانی، سمیرا (۱۳۹۷). تحلیل الگوی منطقه‌بندی آمایش سرزمین در ایران از پسامشروطه تا به حال. *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۲۲ (۱)، ۸۵ - ۱۲۳.
- ثامنی، امیر؛ زبردست، اسفندیار (۱۴۰۲). آسیب شناسی تحقق پذیر آمایش سرزمین در ایران نمونه موردی: دور چهارم مطالعات آمایش سرزمین، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۳۰ (۱۱۵)، ۱۲۷-۱۶۲.
- جعفریان، بابک؛ سرور، رحیم و برنا، رضا (۱۳۹۸). شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر وضعیت آینده آمایش سرزمین استان تهران با رویکرد آینده‌پژوهی. *جغرافیایی سرزمین*، ۱۶ (۶۱)، ۱۷ - ۳۶.
- خاوریان گرمسیر، امیررضا (۱۳۹۸). تبیین فرایند انقباض و افتراق فضایی شهری (مطالعه موردی: استان خوزستان). *رساله دوره دکترا*. دانشکده جغرافیا. دانشگاه تهران.
- خیرالدین، رضا؛ صلاحی‌مقدم، علی‌رضا و طاهری، فاطمه (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل سازمان فضایی منطقه کلان‌شهری تهران با استفاده از جریان فضایی جمعیتی. *هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*، ۲۶ (۴)، ۲۷ - ۳۷.
- داداش‌پور، هاشم و حق‌جو، محمدرضا (۱۳۹۷). هدایت و مهار شهر- منطقه‌های چندمرکزی: به‌کارگیری رهیافت برنامه‌ریزی فضایی راهبردی. *پژوهش‌های دانش زمین*، ۹ (۳۵)، ۱ - ۲۰.
- داداش‌پور، هاشم و رستمی، فرامرز (۱۳۹۸). سازوکارها و قانونمندی‌های حاکم بر قفل‌شدگی توسعه منطقه‌ای در استان خوزستان. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱۱ (۳)، ۱۰۹ - ۱۳۸.
- داداش‌پور، هاشم و شجاعی، دلارام (۱۴۰۱). نابرابری فضایی و رابطه مرکز- پیرامون در ایران: ارائه یک مدل نظری با استفاده از روش نظریه‌پردازی لینهام. *آمایش سرزمین*، ۱۴ (۱)، ۲۵ - ۵۹.
- ذاکری، زهرا (۱۴۰۲). مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران (۱۱): بررسی و نقد سند ملی آمایش سرزمین و پیشنهاد برای برنامه هفتم توسعه (۱۹۱۹۰). *گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، ۳۱ (۵)، ۱ - ۴۰.
- رهنمایی، محمدتقی و وثوقی‌لنگ، شهرروز (۱۳۹۲). تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای ایران از منظر اقتصاد سیاسی. *جغرافیا*، ۳۹، ۲۷ - ۴۲.
- شریف‌زادگان، محمدحسین و قانونی، امیرحسین (۱۳۹۸). تحلیل و گونه‌بندی نگرش نهادگرایانه در برنامه‌ریزی شهری. *معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)*، ۲۴ (۲)، ۵ - ۱۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶). تحلیل و مفهوم‌سازی نظری تأثیرات دولت رانتی بر عاملیت و ساختار جامعه و اقتصاد شهری در ایران. *اقتصاد شهری*، ۲ (۱)، ۱ - ۱۸.
- شهیکی‌تاش، محمدنبی؛ یغفوری، حسین و درویشی، باقر (۱۳۹۴). بررسی شدت عدم تعادل فضایی و منطقه‌ای رفاه در استان‌های ایران (مطالعه مقایسه‌ای رفاه مبتنی بر دیدگاه هاروی و اسمیت). *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۵ (۱۷)، ۱۵ - ۲۹.
- شبعه، اسماعیل و شکیبامنش، امیر (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی فضایی راهبردی. *معماری و شهرسازی ایران*، ۲ (۲)، ۴۳ - ۵۲.
- علی‌اکبری، اسماعیل (۱۳۹۲). طرح‌های منطقه‌ای و تمرکزگرایی در ساختار فضایی نظام‌های شهری. *برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۱ (۲)، ۳۷.
- علیزاده، هادی (۱۳۹۸). تبیین ارتباط الگوهای رفتاری در نظام مدیریت توسعه شهری با طرح‌ریزی راهبردی در کلان‌شهرهای ایران. *رساله دکترا*. جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه شهید چمران اهواز. اهواز.
- عمو، ابراهیم و حاتمی‌نژاد، حسین (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی و ارزیابی طرح‌های آمایش سرزمین در کشور ایران. *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۹ (۳۴)، ۲۷ - ۳۸.

- فرجی‌راد، خدر؛ کاظمیان، غلامرضا و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در ایران از دیدگاه رویکرد نهادی. *فراپند مدیریت و توسعه*، ۲۶ (۲)، ۲۷ - ۵۸.
- قادرمرزی، محسن و رحمانی، محمد (۱۳۹۸). بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه فضایی منطقه‌ای (نمونه موردی: شهر دهگلان). *آمایش محیط*، ۱۲ (۴۴)، ۲۱ - ۴۲.
- قائدرحمتی، صفر؛ خادم‌الحسینی، احمد و بناری، سجاد (۱۴۰۰). برنامه‌ریزی فضایی راهبردی شهر و برنامه عملیاتی شهرداری اردکان فارس. *برنامه‌ریزی و آمایش فضا* (مدرس علوم انسانی)، ۲۵ (۲)، ۱۴۵ - ۱۸۱.
- قنبری، حکیمه و روستایی، شهریور (۱۳۹۲). بررسی اولویت‌های برنامه‌ریزی و آمایش مناطق مرزی در استان آذربایجان شرقی با به‌کارگیری مدل تحلیل شبکه. *آمایش سرزمین*، ۵ (۲)، ۳۳۵ - ۳۶۰.
- متقی، افشین (۱۳۹۹). آمایش فضایی قلمروهای مرزی با استفاده از مدل AHP (نمونه موردی: شهرستان‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان). *آمایش محیط*، ۱۳ (۴۸)، ۲۱ - ۴۰.
- محمودپور، نسرین و مرادی چادگانی، داریوش (۱۳۹۸). مشکل‌یابی سیستم برنامه‌ریزی شهری تهران بر پایه رهیافت یکپارچه برنامه‌ریزی فضایی راهبردی دانش‌پایه. *نامه معماری و شهرسازی*، ۱۲ (۲۵)، ۴۳ - ۶۱.
- هندران، علی؛ شاهپوندی، احمد و نصراصفهانی، رضا (۱۴۰۲). تدوین الگوی نظری کاربست برنامه‌ریزی فضایی راهبردی با رویکرد نهادگرایی در شهر اصفهان. *مرمت و معماری ایران*، ۱۳ (۳۳)، ۱.
- Albrechts, L. (2004). Strategic (spatial) planning reexamined. *Environment and Planning B: Planning and design*, 31 (5), 743-758.
- (2010). How to enhance creativity, diversity and sustainability in spatial planning: strategic planning revisited. *Making Strategies in Spatial Planning: Knowledge and Values*, 3-25.
- (2015). Ingredients for a more radical strategic spatial planning. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 42 (3), 510-525.
- Aliakbari, E. (2012). Regional Plans and Centralization in Spatial Structure of Urban Systems Case Study: Kermanshah Province. *Physical Social Planning*, 1 (2), 37-54. (in Persian)
- Alizadeh, H. (2018). *Explaining the relationship between behavioral patterns in the urban development management system and strategic planning in Iranian metropolitan areas*. Ph.D. Thesis. Geography and Urban Planning. Shahid Chamran University of Ahvaz. Ahvaz. (in Persian)
- Amanpour, D. S. & Alizadeh, H. (2014). Assessment of Sustainable Development Indicators in Kermanshah Province Using regression analysis and Fuzzy Analytical Hierarchy. *Geography and Territorial Spatial Arrangement*, 3 (9), 83-96. (in Persian)
- Amoo, E. & hataminejad, H. (2019). The Pathology of Iranian Land Use Planning. *Regional Planning*, 9 (34), 27-38. (in Persian)
- Asadie, I. (2016). Why does Tehran Metropolitan Region (TMR) Need a Specific Regional Governance? *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 21 (1), 5-16. (in Persian)
- Dadashpoor, H. & Haqjou, M. R. (2018). Guidance and Control Polycentric City-regions: Application of Spatial Strategic Planning Approach. *Researches in Earth Sciences*, 9 (3), 1-20. (in Persian)
- Dadashpoor, H. & Rostami, F. (2019). Mechanisms and Rules Governing the Lock-in of Regional Development in Khuzestan Province of Iran. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 11 (3), 109-138. (in Persian)
- Dadashpoor, H. & Shojaee, D. (2022). Spatial Inequality and the Center-Periphery Relationship in Iran: The Provision of a Theoretical Model Using Lynham Theorizing Method. *Town and Country Planning*, 14 (1), 25-59. (in Persian)
- Farajirad, K., Kazemian, G., & Rokneddin Eftekhari, A. (2013). Pathology of Regional Development Policies in Iran: An Institutional Approach. *Management and Development process*, 26 (2): 27-58. (in Persian)
- Friedmann, J. (2004). Strategic spatial planning and the longer range. *Planning Theory & Practice*, 5 (1), 49-67.
- Ghanbari, H. & Roostaei, S. (2013). Evaluation Priorities in Planning and Spatial Planning of Border Areas in East Azarbaijan Using Network Analysis Process (ANP). *Town and Country Planning*, 5 (2), 335-360. (in Persian)
- Ghdermazi, M. & Rahmani, M. (2019). Investigating the role of small towns in regional spatial development (Case Study in Dehgolan City). *Quarterly Journal of Environmental-based Territorial Planning* 12 (44), 21-42. (in Persian)
- Healey, P. (2004). The treatment of space and place in the new strategic spatial planning in Europe. *Steuerung und Planung im Wandel: Festschrift für Dietrich Fürst*, 297-329.
- Hersperger, A. M., Grădinaru, S., Oliveira, E., Pagliarin, S., & Palka, G. (2019). Understanding strategic spatial planning to effectively guide development of urban regions. *Cities*, 94, 96-105.

- Hossu, C. A., Oliveira, E., & Niță, A. (2022). Streamline democratic values in planning systems: A study of participatory practices in European strategic spatial planning. *Habitat International*, 129, 102675.
- Imani Shamlou, J., Pourjafar, M. R., & Rafieian, M. (2018). Role of Oil-based Economic Components in Spatial Transformations of Tehran and Tabriz Metropolises. *Political Organizing of Space*, 1 (1), 1-9. (in Persian)
- Jafarian, B., Sarvar, R., & Borna, R. (2019). Key Factors Affecting the Future Status of Tehran Province Spatial Planning Based on Future Studies. *Territory*, 16 (61), 17-36. (in Persian)
- Khavarian, A.R. (2019). Explaining the process of urban spatial differentiation and contraction (Case study: Khuzestan province). *PhD Thesis*. Department of human geography. University of Thran. Tehran. (in Persian)
- Kheyroddin, R., Salehi Moghadam, A., & Taheri, F. (2022). Analyzing Spatial Organization of Tehran Metropolitan Area Using Demographic Flow. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 26 (4), 27-37. (in Persian)
- Mäntysalo, R., Kangasoja, J. K., & Kanninen, V. (2015). The paradox of strategic spatial planning: A theoretical outline with a view on Finland. *Planning Theory & Practice*, 16 (2), 169-183.
- Mottaghi, A. (2020). Spatial Provision of Border Territories using AHP (A Case Study of Border Cities of Sistan & Baluchestan Province). *Quarterly Journal of Environmental-based Territorial Planning*, 13 (48), 21-40. (in Persian)
- Newman, P. (2008). Strategic spatial planning: Collective action and moments of opportunity. *European Planning Studies*, 16 (10), 1371-1383.
- Obeng-Odoom, F. (2023). Spatial political economy: the case of metropolitan industrial policy. *Review of Evolutionary Political Economy*, 4 (1), 137-163.
- Rahnamai, M. & Vosooghi, S. (2014). An analysis of Iran's regional development from the perspective of political economy. *Geography*, 11 (39), 33-51. (in Persian).
- Sameni, A., & Zebardast, E. (2023). Feasible pathology of land use in Iran Case study: the fourth round of land use studies, *Majlis and Rahbord*, 30(115), 127-162. (in Persian).
- Shahiki-Tash, M. N., Yaghfoori, H., & Darvishi, B. (2015). Review the Intensity of Spatial and Regional Imbalance of Welfare (Comparative Study of Welfare in Iran Provinces based on Harvey and Smith Approaches). *Regional Planning*, 5 (17), 15-30. (in Persian)
- Sharifzadegan, M. H. & Ghanouni, H. (2017). A Theoretical Analysis & Conceptualization of the Effects of Rentier States on Society's Agency and Structure and Urban Economy of Iran. *Urban Economics*, 2 (1), 1-18. (in Persian)
- Sharifzadegan, M. H. & Ghanouni, H. (2019). Analysis and Typology of Institutional Approach in Urban Planning. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 24 (2), 5-18. (in Persian)
- Shia, I. & Shakibamaneh, A. (2011). Strategic Spatial Planning. *Journal of Architecture and Urban Planning of Iran*, 2 (2), 43-52. (in Persian)
- Taghvaei, M. & Kanani, M. R. (2014). Examination of the Spatial Equilibrium of the Urban System in National-Regional Levels of Iran for Recent 60 Years. *Spatial Planning*, 4 (1), 169-202. (in Persian)
- Tavakoli, M., Ebrahimi, A., & Hamidi Tehrani, S. (2018). Analysis of Iran spatial planning zoning pattern from post-Constitutional Revolution till present. *The Journal of Spatial Planning*, 22 (1), 85-123. (in Persian)
- van Dijk, T. (2021). Strategic spatial planning through pragmatic blueprints: Forms and levels of adaptivity in modernist planning of the Dutch IJsselmeerpolders. *Futures*, 125, 102665.
- Zakari, Z. (2023). Collection of regional studies and land development in Iran (11): review and critique of the national document of land development and proposal for the seventh development plan (19190). *Monthly Expert Reports of Islamic Council Research Center*, 31 (5), 1-40. (in Persian)